

پستی
بند آقامیری



آقاجری

از اعدام تا آزادی یک میلیاردی

علیرضا سمیعی
arsamiel@journalist.com

فاصله تدریس در دانشگاه تا دو سال ماندن در زندان، مسافتی است که دکتر هاشم آقاجری آن را طی کرده است. استاد تاریخ دانشگاه تربیت مدرس تهران و عضو ارشد سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به فاصله دو سال تبدیل به یک زندانی مریض و رنگ پریده شد که در تیرماه، هنگامی که برای تجدید محاکمه به دادگاه انتقال داده می‌شد، از شدت ضعف، کاپشن به تن کرده بود.

سرشناس‌ترین مردان سیاسی ایران کرد و موضوع یک سخنرانی را به مساله ملی و حتی بین‌المللی تبدیل کرد. نخستین واکنش به این سخنرانی را روزنامه کیهان در روز شنبه اول تیر با درج خبری در ستون اخبار ویژه خود نشان داد و بلافاصله و به صورت

شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و استاد دانشگاه تربیت مدرس تهران در خانه معلم همدان تحت عنوان "شریعتی و پروژه پروتستانیسم اسلامی" بود. خبری نه چندان بلند که آقاجری را از یک استاد دانشگاه نه چندان مشهور تبدیل به یکی از

اما آغاز ماجرا

عصر روز چهارشنبه ۲۹ خردادماه ۱۳۸۱، در سالروز وفات دکتر علی شریعتی، خبری روی تلکس ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) رفت که قسمت‌هایی از سخنرانی دکتر هاشم آقاجری، عضو

باورنکردنی به یک تخاصم و کشمکش درآمد.

اطلاعی و راه پیمایی در حکومت سخنان او به یک باره کشور را فرا گرفت. اما هیچ روزنامه‌ای (حتی آنهایی که با سخنان آقاجری مخالف نبودند) جرأت نکرد تا متن کامل سخنان او را درج کند تا همگان از واقیعت مطلع شوند و تنها تریبون‌های جبهه مخالفان اصلاحات چندجمله ناقص از سخنان او را مانند تشبیه تقلید به حرکت میمون و کهنه بودن دین را نقل می‌کردند و طرفداران خود را به واکنش و می‌داشتند. اما متن سخنرانی او همراه حواشی جلسه خانه معلم بلافاصله در سایت‌های اینترنتی منتشر شد و مشخص شد که آقاجری هنگامی که در اواسط سخنرانی خود بوده چند نفر سوالاتی را مطرح می‌کنند و پس از جواب او داد و فریاد کرده و جلسه را به هم می‌زنند!

البته نباید فراموش کرد که در سال‌های پس از دوم خرداد ۷۶، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و اعضای آن همواره با اتهامات گوناگونی از سوی مخالفان خود مواجه بودند. اما هاشم آقاجری به خاطر

لحن صریحی که داشته و اصولاً سخنان در پرده دیگران را مخصوصاً در باب انتقاد به دین و روحانیت به صراحت بیان می‌کند، همواره زیر تیغ حملات مخالفان بود. چون اساساً از

دیرباز رویکرد اصلاح طلبانه به دین و روحانیت و اصولاً نقد روحانیت، از دیدگاه جماعتی غیرقابل پذیرش بوده و حتی باز تولید آرای مرحوم دکتر شریعتی را بر نمی‌تابند، با تمسک به استعاره‌ها و ایجاز‌های مبهم مانع طرح آشکار این مباحث می‌شوند.

اما دکتر آقاجری فردی که به جرأت می‌توان گفت یکی از پنج چهره خیرساز ایران در دو سال گذشته بوده کیست؟ سید هاشم آقاجری پسر یک



آموزان و همزمان انجمن اسلامی جوانان آبادان را در یک مسجد در محله جمشید آبادان تشکیل دادم. در آن زمان بود که به تدریج مطالعاتم از متون معمول مذهبی مثل کتاب‌های آقایان مکارم شیرازی، فخرالدین حجازی، مرحوم مهندس بازرگان و مرحوم مطهری فراتر رفت و متوجه دکتر شریعتی شد که جزوه‌ها و نوارهای سخنرانی او از طریق حسینیه ارشاد توزیع و به دست ما می‌رسید و آشنایی با اندیشه‌ها و افکار ایشان نقطه عطف جدیدی در زندگی من بود.

سال ۵۰ که سازمان مجاهدین خلق رسماً فعالیت خود را شروع کرد، تحت تأثیر این سازمان قرار گرفتیم. آن زمان حدوداً ۱۶ ساله بودم و تقریباً از همان زمان تضادهای من با انجمن حجتیه آغاز شد. من آیت‌الله خمینی را به عنوان مرجع تقلید خود می‌شناختم و رساله ایشان را در خانه داشتیم در حالی که انجمن حجتیه با

آیت‌الله خمینی مخالف بود و مراجع دیگری را تبلیغ می‌کرد. از سوی دیگر از دکتر شریعتی دفاع می‌کردم که آنها مخالف وی بودند. کم‌کم به این نتیجه رسیدم که روش انجمن حجتیه یک روش انحرافی است که جز ایجاد سرگرمی و غفلت جوانان نسبت به رژیم دیکتاتوری شاه ثمره دیگری ندارد، لذا شروع به اعتراض کردم و سرانجام از آن جدا شدم.

در این سال‌ها من جزو رابطها و سمپات‌های سازمان [مجاهدین خلق] شدم و در کارهای سیاسی مانند پخش اعلامیه فعالیت داشتم. در سال ۵۵ در رشته تاریخ در دانشگاه ملی قبول شدم و به تهران آمدم و یکبار نیز به جرم پخش اعلامیه دستگیر شدم و در بحبوحه انقلاب آزاد شدم و تا بیست و دوم بهمن ۵۷ در تهران ماندم.

ولی در اواخر بهمن به آبادان رفتم و پس از عضویت در شورای انقلاب آبادان، کانون فرهنگی- نظامی فتح آبادان را تشکیل دادم و در آنجا به کمک دوستان به دختران و پسران هم آموزش نظامی

پارچه فروش و رشکسته آبادانی و یک زن بی‌سواد است که در دوران تحصیل خود همه کار کرده است: از لیوفروشی تا شاگردی در مغازه مکانیکی. خود او این گونه می‌گوید:

حکم اعدام آقاجری واکنش سریع مقام رهبری را در دو نوبت برانگیخت

من از سال اول دبیرستان یعنی سال‌های ۴۸-۴۹ به سمت مطالعات مذهبی و فعالیت‌های سیاسی و دینی کشیده شدم. در آن زمان در جامعه احزاب، سازمان‌ها و تشکیلات علنی سیاسی وجود نداشت و تنها یک تشکیلات تقریباً علنی به نام "انجمن ضدیهائیت" که اکنون "حجتیه" نامیده می‌شود فعال بود و من جذب این انجمن شدم. همان زمان در دبیرستان با دانش‌آموزان دیگری که آنها را به تدریج با خود همفکر کرده بودم انجمن اسلامی دانش

می‌دادیم و هم کلاس‌های ایدئولوژیک و سیاسی داشتیم.

در آن زمان بخش بزرگی از فعالیت‌های من صرف مناظره و بحث با لیبرال‌ها و مارکسیست‌ها می‌شد و ما توانستیم بخش عظیمی از جوانان را که اکثر آنها به شهادت رسیده‌اند را در دامان انقلاب حفظ کنیم.

اما در سال ۵۸، هاشم آقاجری با تعطیل کردن کانون فتح به سازمان تازه تأسیس مجاهدین انقلاب اسلامی می‌پیوندد و اقدامات خود در ارشاد جوانان را در قالب این گروه انجام می‌دهد.

او در سال ۵۹ به سپاه می‌رود و در بخش اطلاعات و عملیات لشکر امام حسن به فعالیت می‌پردازد و در سال ۶۱ یک پای خود را در میدان مین از دست می‌دهد.

اماز سال ۶۲ فاز خود را تغییر می‌دهد. به تهران می‌آید و ازدواج می‌کند و تا مقطع دکترا ادامه تحصیل

می‌دهد. او از سال ۶۸ تا ۷۸ عضو شورای سردبیری نشریه عصر ما می‌شود و همزمان به تدریس در دانشگاه تربیت مدرس می‌پردازد.

نخستین جنجال آقاجری

نخستین سخنرانی آقاجری که در زمان خود جنجال زیادی را در جامعه برپا کرد، سخنرانی او در زمستان سال ۷۵ در دانشگاه پلی‌تکنیک تهران بود. او در آن جلسه که برای تجلیل از دکتر کدیور برگزار شده بود، در بخشی از سخنان خود گفت: "دین اگر به ابزار قدرت تبدیل شود، نه تنها افیون ملت‌ها بلکه افیون دولت‌ها نیز هست." اما جناح حاکم وقت سعی کرد این گونه‌القا کند که آقاجری به طور مطلق با دین مخالفت کرده است. با به قدرت رسیدن اصلاح طلبان سخنان او به

فراموشی سپرده شد و تنها زمانی که می‌خواستند درباره او خبری منتشر کنند، به کنایه به این سخن او اشاره می‌کردند. البته ۸ سال بعد، این سخنرانی، یکی از موارد اتهامی او در دادگاه شد.

پس از این سخنرانی، آقاجری به نوشتن مقاله در روزنامه‌ها و مجلات پرداخت و همزمان دو کتاب تألیف و منتشر ساخت: شریعتی متفکر

فردا و رساله‌های سیاسی قاجاری دو کتاب او هستند. اما مواضع و سخنان او و سازمان مجاهدین انقلاب پس از ۱۸ تیر ۱۳۷۸ رادیکال‌تر شد و به تبع آن بیشتر در معرض انتقاد مخالفان

اصلاحات قرار گرفتند تا آن که سرانجام در تیرماه ۸۱ این اقدامات به اوج خود رسید. پس از سخنرانی دکتر آقاجری در سالگرد وفات دکتر علی شریعتی به یکباره از همه جا فریاد مخالفت با این سازمان بلند شد. چه آنکه چند روز پس از این سخنرانی، جامعه مدرسین

حوزه علمیه قم در اطلاعیه‌ای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را فاقد مشروعیت دانست و خواستار قطع همکاری مسلمانان با آن شد. برخی از مراجع قم نیز در سخنرانی‌هایی از سخنان او ابراز انزجار نمودند. آیت‌الله صافی گلپایگانی در سخنانی گفت:

هاشم آقاجری پس از دو سال زندان تودیع وثیقه یک میلیارد ریالی از زندان آزاد شد

آنچه پیش آمده و می‌آید، نتیجه قصورهای گذشته است. این طور نیست که یک شبه اینگونه شده باشد. بلکه وقتی به وظایف خود عمل نمی‌کنیم، طبیعی است که چنین وضعی پیش بیاید. در این شرایط وظیفه هر مسلمانی است که نگران و متأسف باشد و

در برابر هجوم به عقاید مذهبی خویش در مقام دفاع برآید. اگر همه از دین و اسلام دفاع کنند، دیگر هیچ کس این جرأت را در خود نمی‌بیند که بیاید و از این حرف‌ها بزند.

آیت‌الله... حسین نوری همدانی نیز گفت: "اگر آن روز که این شخص گفت که دین افیون ملت هاست با او برخورد می‌شد امروز جرأت نمی‌کرد بگوید تقلید کار میمون است." اما سیر تحول دو ساله در پرونده آقاجری غیرقابل باور است.

سیدمحمد خاتمی، رئیس جمهوری ایران تیر ماه ۸۱ در جمع مردم اردبیل در سخنانی به شدت از آقاجری انتقاد کرد و گفت: "از دشمنان توقعی جز این نیست که روحانیت و مرجعیت را تضعیف و اگر بتوانند نابود کنند. اما سؤال این است که تضعیف روحانیت به نام روشنفکری و اصلاح‌گری چرا؟ روشنفکر واقعی کسی است که در جهت تقویت نظام روحانیت بر آید و انقلابی و مسلمان واقعی کسی است که اگر از روحانیت





استفاده می‌کند در جهت تقویت و نه تضعیف آن باشد.

اما رئیس جمهور خاتمی در خرداد ماه ۸۳ در نامه‌ای برای فردا می‌نویسد: «امروز هم این مصیبت را داریم که انسانی دانشمند که شاید سابقه حضورش در انقلاب و جبهه بیش از سابقه تصدی فلان قاضی بی‌تجربه‌ای باشد که گشاده‌دستانه حکم ارتداد صادر می‌کند و مبارزی که پا و سلامت خود را برای انقلاب داده و همواره از موضع دین خواستار آزادی بوده است به ناحق به ارتداد متهم و براساس آن محاکمه می‌شود».

محمدتقی مصباح یزدی نیز در تیرماه ۸۱ در سالگرد اعدام نواب صفوی با ابراز نگرانی از نابسامانی‌های فرهنگی موجود در جامعه گفت: «اگر آن روز کسروی مطالب خود را در پرده می‌گفت و قدم به قدم از استهزای روحانیون تا انکار ضروریات اسلام پیش رفت اما هرگز نگفت دین اقیون ملت‌ها

بلکه اقیون حکومت‌ها هم هست... اما امروز ما با کسانی مواجه هستیم که می‌گویند... (دین) نه تنها اقیون ملت‌ها بلکه اقیون حکومت‌ها هم هست. حال این افراد چه تفاوتی با کسروی دارند؟... امروز با ترویج فرهنگ تساهل و تسامح غیرت را از من و شما گرفتند بعد خیلی راحت این غلط‌ها را می‌کنند» وی در ادامه اظهاراتش آورده: «اگر روحیه شهادت‌طلبی در جامعه بود دشمن جرأت نمی‌کرد در جامعه اسلامی بگوید دین اقیون حکومت‌هاست، غلط می‌کرد آن نادان نابخرد بگوید تاریخ مصرف احکام اسلام گذشته است».

پیش از این نیز «سیداحمد خاتمی» نماینده مجلس خبرگان در مراسم تشییع پیکر آیت‌الله «احمدی میانجی» در قم طی اظهاراتی آکنده از عصبانیت گفتاری توأم با ادبیات هیجان‌زده که حاکی از برآشفتنگی جدی مشارالیه از روند «بزع ایشان» اهانت به ارزش‌های اسلامی و مقدسات دینی است،

اظهار داشته بود: «خدا، قرآن و مقدسات دینی را زیرسؤال می‌برند... امروز از چه می‌ترسیم؟ می‌گویید دین اقیون توده‌هاست... عمامه ما کفن ماست! ما سر می‌دهیم. اما دین خود را نمی‌دهیم».

پس از آن دکتر... احمدی رئیس کل دادگستری همدان از آقاجری به اتهام توهین به مقدسات اسلامی و باورها و ارزش‌های مردم شکایت کرد و هفدهم مرداد ماه پس از تحقیقات مقدماتی با تشدید قرار از سوی دادگاه همدان آقاجری بازداشت و روانه زندان شد. سرانجام با وجودی که او به خاطر سوءتفاهم ایجاد شده عنرضواری کرد، دادگاه همدان او را به جرم ارتداد، سب‌النبی، اسلام‌ستیزی، اهانت به علما و برهم زدن نظم و آرامش عمومی به اعدام، یک سال حبس در طبرستان، ۷۴ ضربه شلاق، دو سال تبعید در زابل و ۱۰ سال محرومیت از تدریس و تحصیل محکوم کرد.

حکم دادگاه همدان درباره آقاجری، واکنش

رئیس جمهوری، رئیس مجلس ششم و مقام رهبری را به همراه داشت. چنانچه همان زمان آیت‌...
 خاصه‌ای در سخنانی در مخالفت با حکم اعدام آقاجری، بر اهمیت و ارزش دم و جان انسان در اسلام تأکید کرد. اما دستگاه قضایی در عمل به رهنمودهای رهبری تعلق کرده و حکم اعدام آقاجری توسط دادگستری همان مجدداً تأیید شد. این حکم که چند روز پیش از مذاکرات وزیر امور خارجه ایران با مقامات اتحادیه اروپا صادر شده بود بر روابط اروپا و ایران سایه افکند و نیز اعتراضات گسترده دانشگاهی را برانگیخت. تاجایی که رئیس دیپارتمان‌های ۲۲ گانه دانشگاه تربیت مدرس هم‌زمان استفا دادند و برای اولین بار در عمر جنبش دانشجویی ایران سه ضلع مثلث دانشگاه (دانشجو، استاد و مدیریت) در کنار هم قرار گرفتند.
 حکم اعدام آقاجری در میان

محافظه‌کاران نیز موافقان آشکار بسیاری نیافت و حتی کیهان و رسالت نیز بارها به مخالفت با آن پرداختند. این بار حتی امکان استفاده از ارزش‌های انقلاب و جنگ نیز وجود نداشت. چون آقاجری خود جانباز جنگ تحمیلی و یک استاد بسیجی دانشگاه بود.

پس از آن دادگستری همدان بعد از آنکه وکیل آقاجری به حکم صادره اعتراض نکرد، آن را برای تأیید حکم اعدام به شعبه چهارم دیوان عالی کشور در قم فرستاد که در آنها حکم پس از کش و قوس‌های بسیار رد شد و پرونده تجدیدنظر در دادگستری همدان ۱۵ اردیبهشت امسال دوباره تأیید شد که با نقض دوباره حکم اعدام، این بار ادامه دادرسی به تهران منتقل شد.

در اواخر اردیبهشت ماه امسال یک سایت وابسته به جناح محافظه‌کار از دستور مقام رهبری درباره حکم آقاجری خبر داد. سایت بازتاب ظهر روز ۲۶ اردیبهشت در خبری اعلام کرد: "رهبر انقلاب طی دستور صریحی به رئیس قوه قضاییه، خواستار تجدیدنظر در حکم اعدام آقاجری شدند. رهبر انقلاب در این دستور تصریح کردند: پرونده همدان مصداق سب‌النبی نیست و حکم صادره مطابق با موازین شرعی نمی‌باشد."
 این خبر فردای آن روز توسط خبرگزاری

نیمه رسمی دانشجویان ایران به نقل از منابع مطلع اعلام شد. ضمن آن که ایستنا از ناراضی‌های شدید رهبری از تعلل نسبت به این مسأله نیز خبر داده بود. از همان روز دوباره آقاجری، مسأله اول جامعه شد و قوه قضاییه برای تجدیدنظر فوری و آزادی آقاجری تحت فشار قرار گرفت. غلامحسین الهام، سخنگوی قوه قضاییه نیز نامه رهبری به رئیس قوه قضاییه را تأیید کرد.

اما، رئیس قوه قضاییه پس از یک ماه سکوت بیست و ششم خردادماه در دیدار ائمه جماعات از نامه رهبری درباره آقاجری ابراز بی‌اطلاعی کرد. رئیس

هاشم آقاجری از سال ۷۶ به خاطر انتقاد از روحانیت زیر تیغ مخالفان قرار داشت

قوه قضاییه در مورد پرونده دکتر آقاجری، شیوه مدیریتی قوه قضاییه را غیرآمرانه دانست و گفت: "قاضی در اظهارنظر و حکم دادن مستقل است و دخالت در این امر، عدالت و قضاوت را دچار تزلزل می‌کند."

هاشمی شاهرودی با انتقاد به برخی فعالان سیاسی که شیوه قضایی را در برخورد با پرونده دکتر آقاجری نامناسب می‌دانند، گفت: "آنان دچار تناقض‌گویی حقوقی شده‌اند. از یک سو می‌گویند رهبری به خاطر استقلال قوه قضاییه نباید در امور قضایی دخالت کند و از سوی دیگر خبری را درست می‌کنند و می‌گویند باید به نامه رهبری عمل شود، در حالی که من از این نامه مطلع نیستم."

و سرانجام دادگاه تجدیدنظر رسیدگی به اتهامات دکتر سیدهاشم آقاجری نیمه تیرماه در شعبه ۱۰۸۳ دادگاه عمومی تهران برگزار شد. این دادگاه برای بسیاری افراد، شگفتی‌های بسیاری را به همراه داشت. نخست ظاهر آقاجری بود؛ موهایی سفید و بلند و رنگی پریده و صورتی لاغر که در گرمای تیرماه تهران کاپشن به تن کرده بود. دوم آن که اتهامات آقاجری فراتر از سخنرانی همدان رفت و به مقالات و چند سخنرانی دیگر او نیز تسری یافت. ضمن آنکه گروهی از مخالفان آقاجری بدون واکنش مقامات دادگستری تهران، به درون ساختمان رفته و پشت

در دادگاه علیه او شعار می‌دادند. سرانجام پس از چند جلسه دادگاه و دفاعیات دکتر آقاجری و وکیل مدافع او حکم نهایی درباره سیدهاشم آقاجری در روز سی‌ام تیرماه صادر شد.

و براساس این حکم، دکترسید هاشم آقاجری با شکایت مدعی‌العموم به جرم اهانت به دین مبین اسلام، تخفیف مقام و جایگاه ائمه معصومین (ع) از طریق انکار مقام لاهوتی آنان، استهزا و تمسخر نحوه قرائت خطبه عقد، و اهانت به مراجع و علمای دینی به ۵ سال حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت قبلی و ۵ سال محرومیت از حقوق اجتماعی که اجرای آن پس از پایان حبس قطعی می‌باشد محکوم می‌شود. اما با توجه به وضع جسمانی او دو سال از حبس او را به حالت تعلیق در می‌آورد.

اما قاضی اسلامی شکایت مدعی‌العموم از سخنرانی در سال ۷۵ در دانشگاه شهید بهشتی و مقاله اعتراضی به شورای نگهبان در سال ۷۸ و نیز اتهام سب‌النبی و ارتداد را به لحاظ عدم اقتناع وجدانی جهت انتساب بزه رد و حکم برائت او را صادر کرد. همان روز نیز اعلام شد که هاشم آقاجری با تودیع یک میلیارد ریال وثیقه می‌تواند از زندان آزاد شود. اما مشکل اینجاست که آقاجری توانایی پرداخت وثیقه را نداشت. آقاجری اعلام کرد که تنها دارایی او یک پیکان مدل ۶۳ است و استطاعت تأمین وثیقه را ندارد و از مردم درخواست کمک کرد.

با وجودی که حدود ۱۰ روز بعد، هاشم آقاجری با وثیقه‌ای ملکی به ارزش ۹۷۰ میلیون ریال که توسط یکی از دوستانش به وثیقه گذاشته شده آزاد شد. اما بنا به گفته صالح نیکبخت وکیل مدافع آقاجری در چند روزی که از اعلام وثیقه یک میلیارد ریالی تا روز آزادی دکتر آقاجری گذشت، ۱۶۰ در تماس با خانواده یا وکیل وی آمادگی خود را برای پرداخت کامل یا قسمتی از وثیقه او اعلام کردند.

به گفته نیکبخت، در میان پرداخت‌کنندگان وثیقه، عالمان دینی، اساتید دانشگاه، روزنامه‌نگاران، اهالی سیاست، هنرمندان و جانبازان و ایرانیان US و اسپانیا و اسکانندیانوی، پرتقال و مالزی بودند.

به گفته وی، یک زن و شوهر بازنشسته از استان فارس هم که حقوق ماهیانه آنها ۹۴ هزار تومان است اعلام آمادگی کردند که دو ماه حقوق خود را به این امر اختصاص دهند.